

آگاهیه حقوقی

ارگان نشراتی وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان

سال دهم

شماره ۱۶۳

۳۰ جدی ۱۳۹۵

گزارشگر: بشیر احمد عزیزی

تجلیل از سیزدهمین سالروز تصویب قانون اساسی افغانستان در وزارت عدلیه



20 جدی 1395

از سیزدهمین سالروز تصویب قانون اساسی افغانستان در وزارت عدلیه با اشتراک داکتر عبدالصیر انور وزیر عدلیه، داکتر محمد قاسم هاشمزی رییس کمیسیون مستقل نظارت بر تطبیق قانون اساسی، داکتر هروی عضو این کمیسیون، روسا و کارمندان وزارت عدلیه تجلیل به عمل آمد.

تدویر ورکشاپ مبارزه علیه جرایم اختطاف و قاچاق انسان

7 و 8 جدی 1395

به قاچاق انسان، قاچاق مهاجران و اختطاف انسان مورد بحث قرار گرفت.

سکرتیرت کمیسیون عالی مبارزه علیه جرایم اختطاف و قاچاق انسان به همکاری دفتر پروگرام حمایت سکتور عدلی افغانستان (JSSP) ورکشاپ را زیر عنوان آگاهی از موضوعات مربوط به مبارزه علیه اختطاف و قاچاق انسان برای کارمندان وزارت عدلیه دایر نمود.

این ورکشاپ برای دو روز دایر شده بود و در آن 25 تن از کارمندان وزارت عدلیه اشتراک نموده بودند. درین ورکشاپ موضوعات مربوط

وزیر عدلیه در مورد اهمیت و جایگاه قانون اساسی در کشور صحبت نموده و بر تطبیق آن در کشور تاکید نمود. وی از ابتکار کمیسیون مستقل نظارت بر تطبیق قانون اساسی که با استفاده از این هفته در ادارات دولتی و غیر دولتی به توضیح و تشریح قانون اساسی و تاریخچه آن پرداخته اند، قدردانی نمود.

وزیر عدلیه به بخش آگاهی عامه حقوقی، ریاست عمومی مساعدت‌های حقوقی این وزارت هدایت داد تا آگاهی دهی از قانون اساسی را در صدر برنامه‌های خود قرار دهند. همچنان از ریاست نشرات وزارت عدلیه خواست تا به نشر مجدد قانون اساسی به زبان‌های ملی کشور و زبان انگلیسی اقدام نماید.

وزیر عدلیه از دست آوردهای این وزارت

در دو سال اخیر یادآوری نموده گفت که این وزارت در سال 1394 به تعداد 91 سند تقنینی و از شروع سال 1395 الی اکنون 77 سند تقنینی را طی مراحل نموده که مهمترین قوانین و مقرره‌ها را شامل می‌شود.

در ادامه داکتر محمد قاسم هاشمزی رییس کمیسیون مستقل نظارت بر تطبیق قانون اساسی، عبدالمجید غنی زاده رییس عمومی انستیتوت امور قانون گذاری و تحقیقات علمی- حقوقی وزارت عدلیه و داکتر هروی عضو کمیسیون نظارت بر تطبیق قانون اساسی نیز در مورد اهمیت و جایگاه قانون اساسی در کشور و چالش‌های موجود در راه تطبیق آن صحبت نموده و بر رفع این چالش‌ها و تطبیق تک تک ماده‌های قانون اساسی تاکید نمودند.



امنیت ملی، کمیسیون مستقل حقوق بشر و دو نفر از سازمان‌های اجتماعی تشکیل میدهد.

منع خشونت علیه زنی در پرتو فامیلیه علییه



نقاش: دوست محمد عارف

نقاش: دوست محمد عارف

نقاش: دوست محمد عارف

نقاش: دوست محمد عارف

نقاش: دوست محمد عارف

نقاش: دوست محمد عارف

نقاش: دوست محمد عارف

نقاش: دوست محمد عارف

نقاش: دوست محمد عارف

نقاش: دوست محمد عارف

نقاش: دوست محمد عارف

نقاش: دوست محمد عارف

نقاش: دوست محمد عارف

نقاش: دوست محمد عارف

نقاش: دوست محمد عارف

نقاش: دوست محمد عارف

نقاش: دوست محمد عارف

نقاش: دوست محمد عارف

نقاش: دوست محمد عارف

نقاش: دوست محمد عارف

نقاش: دوست محمد عارف

نقاش: دوست محمد عارف

نقاش: دوست محمد عارف

نقاش: دوست محمد عارف

نقاش: دوست محمد عارف

نقاش: دوست محمد عارف

نقاش: دوست محمد عارف

نقاش: دوست محمد عارف

نقاش: دوست محمد عارف

نقاش: دوست محمد عارف

نقاش: دوست محمد عارف

نقاش: دوست محمد عارف

نقاش: دوست محمد عارف

نقاش: دوست محمد عارف

نقاش: دوست محمد عارف

نقاش: دوست محمد عارف

نقاش: دوست محمد عارف

نقاش: دوست محمد عارف

نقاش: دوست محمد عارف

نقاش: دوست محمد عارف

نقاش: دوست محمد عارف

نقاش: دوست محمد عارف

نقاش: دوست محمد عارف

نقاش: دوست محمد عارف

نقاش: دوست محمد عارف

نقاش: دوست محمد عارف

نقاش: دوست محمد عارف

نقاش: دوست محمد عارف

نقاش: دوست محمد عارف

نقاش: دوست محمد عارف

نقاش: دوست محمد عارف

نقاش: دوست محمد عارف

نقاش: دوست محمد عارف

نقاش: دوست محمد عارف

نقاش: دوست محمد عارف

نقاش: دوست محمد عارف

نقاش: دوست محمد عارف

نقاش: دوست محمد عارف

نقاش: دوست محمد عارف

نقاش: دوست محمد عارف

نقاش: دوست محمد عارف

نقاش: دوست محمد عارف

نقاش: دوست محمد عارف

نقاش: دوست محمد عارف

نقاش: دوست محمد عارف

نقاش: دوست محمد عارف

نقاش: دوست محمد عارف

نقاش: دوست محمد عارف

نقاش: دوست محمد عارف

نقاش: دوست محمد عارف

نقاش: دوست محمد عارف

نقاش: دوست محمد عارف

نقاش: دوست محمد عارف

نقاش: دوست محمد عارف

نقاش: دوست محمد عارف

نقاش: دوست محمد عارف

نقاش: دوست محمد عارف

نقاش: دوست محمد عارف

نقاش: دوست محمد عارف

نگاه اجمالے برقانون ...

بر حسب ماده پنجم قانون منع خشونت علیه زن موارد آتی در این قانون خشونت محسوب شده که برای آن مجازات در نظر گرفته شده است:

- تجاوز جنسی
- مجبور نمودن به فحشاء
- ضبط و ثبت هویت مجنی علیها و نشر آن به نحویکه به شخصیت وی صدمه بر ساند.
- آتش زدن یا استعمال مواد کیمیایوی ، زهری و یا سایر مواد ضررناک.
- مجبور نمودن به خود سوزی یا خودکشی و یا استعمال مواد زهری یا سایر مواد ضررناک.
- مجروح یا معلول نمودن.
- لت و کوب.
- خرید و فروش به منظور یا بهانه ازدواج .
- بد دادن.
- نکاح اجباری.
- ممانعت از حق ازدواج و یا حق انتخاب زوج.
- نکاح قبل از اكمال سن قانونی.
- دشنام ، تحقیر و تخويف.
- آزار و اذیت.
- انزواى اجباری.
- اجبار زن به اعتیاد به مواد مخدر.
- منع تصرف در ارث.
- منع تصرف اموال شخصی.
- ممانعت از حق تعلیم ، تحصیل، کار و دسترسی به خدمات صحی.
- کار اجباری.
- ازدواج با بیش از یک زن بدون رعایت حکم مندرج ماده 86 قانون مدنی.
- نفی قرابت.

بیست ودو فقره فوق همگی از جمله موارد است که مرتکبین آن به مجازاتهای که در قانون منع خشونت علیه زن تسجیل گردیده است که در صورت شکایت مجنی علیها (متضرر) یا اقارب وی به ادارات پولیس، محاکم یا سایر مراجع ذیربط طور کتبی، عاملین خشونت های متذکره مجازات می گردند.

با در نظر داشت صراحت ماده دوم این قانون می توان گفت که هدف از وضع قانون مزبور موارد آتی می باشد که ذیلا به آن اشاره می نماییم:

هدف این قانون عبارتند از :

- تامین حقوق شرعی و قانونی و حفظ کرامت انسانی زن.
- حفظ سلامت خانواده و مبارزه علیه رسوم ، عرف و عادات مغایر احکام دین مقدس اسلام مسبب خشونت علیه زن.
- حمایت مجنی علیهای خشونت (زن متضرر) یا معروض به خشونت.
- جلوگیری از خشونت علیه زن.
- تامین آگاهی و آموزش عامه در مورد خشونت علیه زن.
- تعقیب عدلی مرتکب جرم خشونت علیه زن.

ماده سوم قانون منع خشونت علیه زن ، اصطلاحات و واژه های کلیدی این قانون را ذیلا تعریف نموده است:

- زن : عبارت از اناث بالغ و نا بالغ می باشد.
- خشونت: ارتکاب اعمال مندرج ماده پنجم این قانون است که موجب صدمه به شخصیت، جسم ، مال یا روان زن می گردد.
- تجاوز جنسی: ارتکاب فعل زنا یا لواط بازن بالغ توام با اجبار و اکراه یا ارتکاب آن با زن نا بالغ و یا تجاوز بر عفت و ناموس زن است.
- بد دادن: به شوهر دادن زن است د ربدل دیت یا صلح به ارتباط فعل، تجاوز جنسی، یا سایر احوال به پیروی از رسوم ، عرف و عادات ناپسند.
- تحقیر: ارتکاب اعمال و حرکات یا استعمال الفاظ است که موجب اهانت (کوچک ساختن) شخصیت زن گردد.
- تخويف: ارتکاب اعمال و حرکات یا استعمال الفاظ است که موجب ایجاد رعب و ترس زن گردد.
- آزار و اذیت: ارتکاب اعمال و حرکات یا استعمال الفاظ یا به هر وسیله یا به هر نحوی است که موجب صدمه به شخصیت ، جسم و روان زن گردد.
- انزواى اجباری: ممانعت از دید و بازدید زن با محارم شرعی می باشد.
- تدابیر وقایوی: اقدامات عملی است که به منظور امحای عوامل خشونت و جلوگیری از وقوع آن اتخاذ می گردد.
- تدابیر حمایتی : اقدامات عملی است که به منظور حمایت از مجنی علیها (متضرر زن) اتخاذ می گردد.

بر اساس ماده چهارم قانون منع خشونت می توان گفت که ؛“ خشونت جرم بوده ، هیچ کس حق ندارد در محل سکونت ، اداره دولتی یا غیر دولتی ، موسسات، محلات عامه، وسایط نقلیه یا سایر محلات، مرتکب ان گردد، در صورت ارتکاب مطابق احکام این قانون مجازات می گردد.

در صورتیکه طبقه اناث به نحوی از انحاء در منزل و یا ادارات و محلات مورد خشونت قرار بگیرد خود یا اقارب وی می توانند به ارگانهای عدلی و قضایی و یا سایر مراجع ذیربط به طور کتبی شکایت نماید. در این زمینه ماده 7 قانون منع خشونت علیه زن چنین صراحت دارد:

(1)مجنی علیهای خشونت ، خود یا اقارب وی می توانند به ادارات پولیس ، حقوق، محاکم یا سایر مراجع ذیربط طور کتبی شکایت نمایند.



وهشت نفرخانم های هستندکه خداوند (ج) درسوره نساء سهم میراث آنان را تعیین نموده وآنها عبارتند از:

- خانم میت،
- دخترمیت،
- دخترسرمیت،
- مادرمیت،
- خواهرتنی میت،
- خواهرمادری میت،
- خواهرپدري میت،
- مادرکلان پدري میت.

ب) بعد ازبیان مفصل احکام میراث درسوره مبارکه نساء آیه 13 و 14 آمده است:

ترجمه: (آنچه گفته شد حدود ومقررات الهی است وهر کس ازخدا ورسولش پیروی کند، خداوند او را به باغهایی وارد می کند که ازفردوس درختانش نهرها جاری است، آنان همیشه درآن می مانند واین است کامیابی ورستگاری بزرگ وهرکس خدا ورسولش را نافرمانی کند واز حدود الهی تجاوز کند، خدا او را وارد آتشی می کند که همیشه در آن می ماند وبرای او عذابی خوار کننده است.

خداوند متعال دریات فوق به مسلمانانی که به احکام میراث پایبند هستند و به آنها عمل می کنند، مژده ورود به بهشت برین داده ودرمقابل به کسانی که نسبت به احکام میراث وقوانین الهی بی توجهی می کنند وبه آن وقعی نمی نهند (ویوانکار حق یا ندادن سهم وارثان ضعیف تر، سعی درتصاحب اموال آنان می کنند) وعده دخول جهنم وگرفتاری درعذاب جاویدان الهی داده است.

خشونت مالی چیست:

خشونت مالی یکی از انواع خشونت‌هایی است که می‌تواند علیه زنان اعمال شود اما تعریف آن هنوز برای بسیاری از زنان تعریفی تازه است که تا به حال به گوش آنها نخورده و با آن بی‌گانه‌اند.

نیاز مالی زنان به مردان و فرصتی که در حاشیه این نیاز به برخی از مردان داده می‌شود تا زنان را مورد آزار روانی قرار دهند، از مصادیق خشونت مالی است که در تعریف خشونت و انواع آن جای گرفته و البته خود آن نیز می‌تواند بخشی از خشونت روانی به‌حساب بیاید. در بخشی از کتاب پژوهشی درباره خشونت علیه زنان در تعریف خشونت مالی چنین آمده است:«در بسیاری از نقاط جهان، زنان نیروی کار بی‌چیره مواجه هستند و باید تا آخر عمر از خانواده خود مراقبت کنند، بی‌آن‌که امنیت اقتصادی داشته باشند. آنان دسترسی به منابع اقتصادی ندارند و به همین دلیل تا آخر عمر کاملا وابسته به مرد خانواده یا افراد ذکور باقی می‌مانند.»

در ادامه تعریف خشونت مالی در این کتاب همچنین آمده است:«چنانچه مردان خانواده نخواهند از خود سخاوتی نشان دهند، ادامه زندگی زنان جدا به‌مخاطره می‌افتد، گاهی دچار سوء‌تغذیه می‌شوند و گاه حتی به ابتدایی‌ترین ضروریات زندگی دسترسی ندارند، به‌ویژه وقتی که مرد اولویت‌های دیگری خارج از قلمرو منزل و خانواده برای خود قایل است. همه این موارد را می‌توان تحت‌عنوان خشونت مالی تعریف کرد.»

ممانعت ازحق انتخاب همسر:
ممانعت از حق انتخاب همسر به اساس ارشادات پیامبر (ص) که انتخاب

همسر را یکی ازحقوق آنان شمرده اند. ولی متأسفانه در افغانستان اکثرا اتفاق می افتد که والدین و اولیای دختر بدون حصول اذن و رضایت دختر، وی را به دیگری نامزد می نمایند در حالیکه دختر بنا به دلایلی مختلف نمی خواهد با جانب مقابل ازدواج نماید.

در این مورد تحقیقات که توسط نهاد های پڑو هشی در مورد حقوق زنان و اطفال صورت گرفته است. بیشترین موارد این ازدواجها را نامزدی های

منع خشونت مالے وفامیلے علیہ زن در..

چنین حکم می کند:(شخصی که بدون رعایت احکام مندرج مواد(86 و 89) قانون مدنی باییش ازیک زن ازدواج نماید، حسب احوال به حبس قصر که ازسه ماه کمترباشد، محکوم می گردد.)

حکم شرعی تعدد زوجات:

قبل از بیان حکم شرعی تعدد زوجات باید تعدد زوجات را تعریف کنیم. تعدد زوجات یعنی چند همسری، تعریف زوج (زناشویی) ازنظر علما قرار زیر است.

نکاح دلرغت عبارت ازضم وجمع (یکجا شدن) است. یا عبارت ازوطء وعقد میباشد.ونکاح درشرع عبارت ازعقد تزویج است. وزواج یانکاح درشرع عبارت است ازعقدی که باثرائن زن (غیرمحرم) به مرد ومرد غیر محرم به زن به غرض زناشویی مباح قرار می گیرد. ویا زواج عبارت از عقدی است که وضع کرده آنرا شریعت تا که فایده بگردند مرد وزن از یکدیگر. درقانون مدنی افغانستان آمده است:ازدواج عقدی است که معاشرت زن ومرد را به مقصد تشکیل فامیل مشروع گردانیده حقوق و واجبات طرفین را به وجود می آورد.

تعدد زوجات ازجملهٔ احکام ، شرع می باشد ، که اسلام مانند شرایع قبلی آنرا مشروع گردانیده است ، چنانچه خداوند کریم درکتاب خود می فرماید : «فانکحوا ماطاب لکم من النساء مثنی وثلاث ورباع فان خفتم الا تعدلوا فواحدة اوماملکت ایمانکم ذالک ادنی الا تعولوا »

(نکاح کنید آنچه راکه دوست دارید اززنان (وقتی که بخود اطمینان داشتید که متوانید میان زنان دادگری کنید وشرایط وظروف خاص تعدد ازدواج مهیا بود با زنان دیگری که برای شما حلاند ودوست دارید) با دو سه ویا چهار تا ازدواج کنید. اگر هم می تر سید که نتوانید میان زنان داد گری را مراعات کنید به یک زن اکتفا کنید یا با کنیزان خود ازدواج نمائید ، این سبب می شود که کم تر دچار کج روی وستم شوید .))

درمورد این آیه مبارکه دانشمندان وفقها آراء ونظریات متفاوت دارند که در بخش دوم آرای ایشان درج است، درمورداین آیه محمد علی السایس می گوید : امر در«فانکحوا» برای اباحت است مانند ؛ «کلوا واشربوا» [بقره آیه ، 60]

وهمچنان از رسول اکرم (ص) روایت است که به غیلان بن امیهٔ ثقفی درحالیکه وی دارای ده همسر بود گفتند:« اخترمنهن اریعاً وفارق سائرهن.» (حضرت رسول اکرم (ص) به غیلان بن امیه ثقفی که ده زن داشت هنگامیکه مسلمان شد گفتند:ایمیان همسرانت چهارتا را انتخاب کن ودیگران رارهاکن. وهمچنین از قیس ابن حارث روایت شده است که او گفت : هنگامی که این مسلمان شدم دارای هشت همسربودم ونزد رسول اکرم (ص) رفتم وموضوع را با ایشان درمیان گذاشتم آن حضرت فرمودند: «اخترمنهن اریعاً»یعنی چهارتای ایشان را اختیارکنجامع امت هم دال بر مشروع بودن تعدد زوجات است زیرا تعدادی زیادی از صحابه های کرام وبزرگها وپیشوایان دین از یک همسر بیشتر داشتند.

فلسفه وحکمت تعدد زوجات:

اسلام آخرین دستور الهی است که رسالت پیامبران علیهم السلام به وسیله آن ختم گردیده است ، شریعتی است عام ، کلی وهمیشگی که شامل تمام زمانها ومکانها ومربوط به همه افراد است.

اسلام تنها قانون را برای شهروشنشین وضع نمی کند ودهاتی وبادیه نشین را فراموش کند یا مناطق سرد سیر را درنظر بگیرد ومناطق گرمسیر را نادیده بگیرد ویا نسلی را مورد توجه قرار دهد وسایر نسلهای آینده را بلاتکلیف بگذارد.

اسلام نیازهای افراد را دقیقاً درنظر می گیرد وحالتهای ضروری آنان را مورد توجه قرار میدهد، ومنافع همه را رعایت می نماید. مثلاً بعضی از افراد علاقه شدید به اولاد دارند ولی همسرانشان نظر به مشکلات ودلایلی زیادی که دارند برادرار نمی شوند ، آیا برای آن زنان محترمانه تر وبرای آن مردان بهتر نیست که آن مردان، زنان دیگری را نکاح نمایند وبه آرزوی قلبی خود برسند وضمناً کلیه حقوق همسرالوی را رعایت وبا احترام آن را نگه داری کنند.

یا بعضی افراد هستند که غریزه جنسی درآنان شدید ومیل نزدیکی برایشان مسلط است،اما زنانی دارندکه علاقهٔجنسی درآنها کم ویابی میل ومریض اند، یا زمان حیض آنان طولانی است ، ویاء... ، ومرد درچنین حالتی توان صبروتحمل را ندارد، آیا بهتر نیست که این مرد همسری دیگری بگیرد وحقوق اولی را حفظ نماید؟ یا اینکه خدای نخواستہ ناچار شود رابطهٔ نامشروع وپنهانی با زن دیگری برقرار نماید !؟

علی احمد جرجاوی دراین باره می گوید : ((اگرذرحلال که زن آماده همخوابگی را نداشته باشد وبرای مرد آمادگی وتحریکی نسبت به جماع بوجود آید دراین حال اگر او جماع کند ایجاد اذیت ومرض می گردد. اگر خود را بافشار باز دارد باز هم دچار مرض وخسارت می گردد.

درحالتی که مصلحت مشروع گردید ومیدان را برای مرد توسعه داد تا بتواند مدتی را با همسر دیگر همبستر شده حاجت خود را برآورده سازد وبه این سبب از

احتمال ارتکاب از زنا برکنارشود، درحالیکه زنا از گناهان کبیره وجرامی است که اندازه او از این قول خداوند کریم معلوم میشود:

« ولا تقربواالزنا انه کان فاحشةً ومقتا وساء سبیلاء» (به عمل زنا نزدیک نشوید زیرا زنا بی حیاتی ودشمنی با خدا ووروش بدی است.)).

شیخ محمود شلتوت می گوید: (تعدد زوجات به عامل جنسی موجود درطبیعت مرد وزن برمی گردد. این عامل جنسی استمرار نیروی فعال ودامنه دار دروجود انسان است،ودرعین حال به حالتهای خاصی که برزنان عارض می شود؛ مانند : عادت ماهیانه ، بارداری ، وضع حمل ونفاس و... بر می گردد ، که درآن حالتها زن قابلیت واستعداد عمل زناشویی را از دست می دهد.

همچنین پدیده تعدد زوجات به کوتاهی – زمان – قابلیت ورغبت زنان به آمیزش جنسی وطولانی بودن آن درمردان ارتباط دارد.زیرا رغبت جنسی درزنان همزمان یارسیدن به سن یائسگی که غالباً یدردود شصت سالگی پیش می آید، به شدت کاهش می یابد. اما رغبت جنسی درمردان به این صورت نمی باشد،وکاهی درعمر شصت وهفتاد سالگی وگاهی درسین بالاتراین رغبت کم وبیش وجود دارد، وبرآورده نندن آن پیامدهای ناگواری را برسلامت وصحت جسمی واخلاقی ودهنی او بر جای می گذارد.)

از طرف دیگر بعضی اوقات تعداد زنان بیشتر از تعداد مردان می باشند مخصوصاً بعد از جنگها که اکثرمردان وجوانان فعال از بین می روند ، درچنین شرایطی هم مصلحت جامعه وهم مصلحت خود زنان ایجاب می نماید که تعدد همسر امری مشروع باشد وبرای زنان بهتر است که هووی یکدیگر باشند واینکه برای همیشه از زندگی زناشویی ، آرامش ، محبت ، حفظ ناموس ونعمت مادرشدن که درآنان وجود دارد وفطرت زن آنها را می خواهد به کلی محروم بمانند.

دکتر قرضاوی می گوید: اگر تعداد زنان از مردان بیشتر باشد زنان باید یکی از سه طریق زیر را انتخاب نمایند :

1. تمام عمر خود را درتلخی ومحرومیت ازمزایای زندگی زناشویی به سر برند .

2. آزاد باشند وبه صورت آلت دست افراد هوس باز از طریق نا مشروع درآیند. وآلت دست مردان پست ویوچ وناپاک قرار گیرند ، وذلت دنیا وعذاب آخرت را به جان بخرند ، وفرزندانی نامشروع وبچه های سر راهی زیادی را تحویل اجتماع بدهند وبدین صورت فساد وتباهی را در میان جامعه گسترش ببخشند.

3. زن ایشان اجازه داده شود که با مردانی که دارای زن بوده وتوانایی تامین مصارف زندگی را داشته ونسبت به زنان خود نیکی ومهربانی می کنند ، ازدواج نمایند.

مسلماً راه سوم ، راه حلی است عادلانه وعلاجی است قطعی ودستوری است آسمانی ، خدا وند بزرگ چه خوب می فرماید : « ومن احسن من الله حکماً لقوم یوقنون »

(چه کسی برای افراد با ایمان بهتر از خدا حکم می کند .)

این است تعدد زوجات که غرب مسیحی آن را براسلام ایراد می گیرد وبه عنوان یک عمل شنیع به حساب می آورد. درحالی که این غرب است که به مردانش اجازه می دهد هراندازه که دلشان می خواهد محشوقه ودوست داشته باشند وهیچ حق قانونی واخلاقی برای آنها درنظر ندارند ومسئولیتی دربرابرپچه های نامشروعی که درآثرائن هوس بازیهای که دورازدین واخلاق پدید می آید احساس نمی کنند. کدام یک از این دوره (تعدد زوجات ودوست بازی) صحیح تر ودارای دلیل محکم تری است؟

آیت الله مکارم شیرازی چنین می گوید :

قوانین اسلام براساس نیازهای واقعی بشراست، نه احساسات، زیرا ممکن است هر زنی از آمدن رقیب در زندگی ناراحت بشود، ولی وقتی مصلحت تمام جامعه درنظر گرفته شود و احساسات را به کنار بگذاریم، فلسفهٔ تعدد زوجات روشن میشود. هیچ کس نمیتواند انکار کند که مردان در حوادث گوناگون زندگی، بیش از زنان در خطر مرگ قرار دارند و در جنگ‌ها و حوادث دیگر، قربانیان اصلی را آن‌ها تشکیل می‌دهند.

نیز نمیتوان انکار کرد که بقای غریزه جنسی مردان از زنان طولانیتر است، زیرا زنان در سن معینی، آمادگی جنسی خود را از دست می‌دهند، در حالی که در مردان چنین نیست.هم چنین زنان به هنگام عادت ماهانه و قسمتی از دوران حاملگی، عملاً ممنوعیت آمیزش دارند، در حالی که در مردان این ممنوعیت وجود ندارد.از همه گذشته زنانی هستند که به علل گوناگونی همسران خود را از دست می‌دهند و اگر تعدد زوجات نباشد، آن‌ها باید برای همیشه بدون همسر باقی بمانند.با درنظر گرفتن این واقعیت‌ها در این گونه موارد (که تعادل میان مرد و زن به هم میخورد) ناچاریم یکی از سه راه ذیل را انتخاب کنیم. الف) مردان تنها به یک همسر در همه موارد قناعت کنند و زنان بیوه تا پایان عمر بدون همسر باقی بمانند و تمام نیازهای فطری و خواسته‌های درونی و احساسی خود را سرکوب کنند.

اصل آزادی و مساوات در

تتمه ونگارش: عبدالرحمن عظیمی



ای آزادی، بشارت دهنده و مدعی آن و قول و عملش، مورد تقلید دیگران بود، موظف به رعایت قیود مزبور گردید.

باید نظر داشت احکام والای شریعت اسلام آزادی بیان را در حدودی که مجاز است معین ساخته است که بدون شک به نفع افراد و جامعه است و سبب رشد روحیه برادری و دوستی و احترام متقابل میان افراد و گروه های اجتماعی می شود.

اصل شورا: دین مقدس اسلام این اصل را صراحتاً بیان نموده است. قبول و اعلان اصل شورا متأثر از اقتضانات جامعه نبوده زیرا عرب ها در آن روز گار در پست ترین درجه ای از جهل و نادانی و در منتهی درجه عقب ماندگی و انحطاط به سر می بردند. شریعت اسلام، این اصل را از آن رو عنوان نموده که یک آئین کامل و دایمی است، و آئینی که از هر تغییر و تبدیلی مصئون خواهد ماند پیش از هر چیز به اصل شورا نیازمند است. دیگر اینکه نفس اعلان این اصل باعث ارتقای سطح فکری جامعه گردیده است، و مردم را به تفکر در مسایل عمومی و توجه به آنها و آینده نگری و مشارکت در حکومت به طور غیر مستقیم و مراقبت از مسئولان حکومت وادار مینماید.

با نظر داشت این ملاحظات، دین مقدس اسلام به بیان اصل شورا به عنوان یک قاعده ای کلی اکتفا نموده است. وضع و تصویب قواعد و آئین نامه های اجرایی آن را به عهده ای اولیای امور گذاشته است، زیرا مقررات لازم برای (اجرای اصل شورا)، به تبع مکان و زمان ها و مردم، متفاوت است. مثلاً وظیفه مسئولان دولتی است که از دیدگاه های شهروندان و بزرگان خانواده ها و قبایل یا از طریق نمایندگان آنان مطلع باشند و یا با اخذ راء، اعم از مستقیم و غیر مستقیم، از کسانی که اوصاف معینی را دارا هستند، موضوع ملت خود را بدانند و دست اندرکاران دولت را موهی را که برای کسب اطلاع و نظریات ملت را خود بهتر تشخیص دهند باید همان را انتخاب نمایند، به شرط آنکه در انتخاب هر یک از شیوه های فوق قاعده ای لاضرر ولاضرار رعایت گردد و مصالح اشخاص و جامعه و نظم عمومی به خطر نیفتد.

شریعت اسلام قواعد اساسی اصل شورا و اجرای آن که اندک است، بیان و در اختیار اولیای امور گذاشته است، این قواعد نیز مانند اصول اساسی شریعت اسلام تغییر و تبدل را نمی پذیرد، زیرا قواعدیکه در نصوص معینی بیان شده است و قاعده برین است که آنچه موضوع یک نص می باشد، تغییر و دگرگونی را نمی پذیرد.

از جمله قواعد اساسی که شریعت اسلام تبعیت از آن را در ارتباط با دولت مبتنی بر شورا واجب دانسته، این است که اقلیتی که راء نیاورده است جزء اولین کسانی باشند که از نظریات اکثریت پیروز تبعیت نمایند و آنها را تحت عنوان راء واجب الاتباع به مرحله اجرا در می آورند و مانند اکثریت از آنها دفاع نمایند. اقلیت حق ندارد در باره راتی که در انتخاب آراء پیشی گرفته است مناقشه کند.

حضرت پیغمبر(ص) در زمان حیات شان به این شیوه عمل نموده و اصحاب ایشان نیز پس از رحلت وی بدان عمل کرده اند.

چنانچه حضرت رسول اکرم (ص) زمانی به شیوه عمل کردند که قریش خود را برای غزوه احد آماده و به سمت مدینه حرکت کرد و در نزدیکی کوه احد فرود آمد یاران پیغمبر(ص) به حضور ایشان رفتند، آن حضرت با آنان، در این باره که در مدینه بمانند و در آن سنگر بگیرند یا از شهر بیرون رفته در خارج شهر با دشمن مقابله کنند، مشورت کردند پیغمبر(ص) ماندن در مدینه و پناه گرفتن در آن را ترجیح می دادند، که اگر دشمن به داخل مدینه وارد شود، مسلمانان در مدخل کوچه های تنگ با آنها بجنگند زنان نیز از پشت بام خانه ها حمله کنند. عبدالله ابن ابی و برخی از صحابه کرام با این نظر موافق بودند، ولی گروه زیادی از صحابه به بیرون رفتن از شهر نظر دادند و در این امر اصرار ورزیدند و پیغمبر(ص) اولین کسی بود که مطابق راء اکثریت عمل کرد زیرا فوراً از جای خود برخاست، به خانه خود داخل شد و لباس جنگ پوشید و بیرون آمد و پیشاپیش اقلیت و اکثریت به پیشواز دشمن رفت و به رای اکثریت عمل نمودند.

فصل دوم:- قانون مذکور از تاسیس بانک شروع و شامل ساختار حقوقی بانک، ساختار تشکیلاتی و اساسنامه بانک، جواز بانکداری، درخواست جواز بانکداری، حق خدمت (فیس)، طرز صدور جواز بانکداری برای شرکت های جدیدالتاسیس، طرز صدور بانکداری برای شرکتهای موجود، شرایط عمومی صدور جواز بانکداری، شرایط خاص جواز بانکداری، دفتر ثبت مرکزی بانکها، ختم اعتبار جواز بانکداری، واگذاری داوطلبانه جواز بانکداری، تجدید ساختار بانک می باشد.

فصل سوم - قانون متذکره حاوی، شرایط کسب سهم استحقاقی ذیصلاحیت، واگذاری یا کاهش سهم استحقاقی، کسب بانک داخلی، تاسیس نمایندگی بانک ذیصلاحیت، انکساب غیر مجاز، فسخ اجازه، استثنائات در التزامات اجازه قبلی، و جایب اشخاص دارای سهم استحقاقی ذیصلاحیت در رابطه با ارایه معلومات می باشد.

فصل چهارم:- شامل موضوعات، از طرز تاسیس یا به دست آوردن شرکت تابع توسط بانک، و جایب بانک در رابطه به ارایه معلومات در مورد شرکتهای تابع، دستور فسخ کنترل شرکت تابع، شرکتهای وابسته با بانک، مسئولیت های بانک در رابطه به تاسیس یا بدست آوردن شرکت های تابع و وابسته، تاسیس نمایندگی توسط بانک داخلی، تاسیس نمایندگی بانک ها ی خارجی در افغانستان، منظوری در خواست تاسیس نمایندگی، همکاری یا مراجع ذیصلاح کشور خارجی، و جایب ارایه اطلاعات در مورد نمایندگی، نمایندگی های متعدد بانکهای خارجی، سرمایه نمایندگی بانک خارجی در افغانستان، تطبیق احکام این قانون بالای نمایندگی بانک خارجی، تغییر محل نمایندگی، مسدود نمودن نمایندگی بانک خارجی در افغانستان، اقدامات اصلاحی در مورد نمایندگی بانک خارجی، فسخ اجازه نامه نمایندگی بانک خارجی در افغانستان، تاسیس دفتر فرع بانک خارجی در افغانستان، دفتر فرع خارجی بانک داخلی می باشد.

فصل پنجم:- هم در بر گیرنده ساختار اداری بانک ها، مجمع عمومی سهامداران، هیئت نظار، وظایف و صلاحیت های هیئت نظار، جلسات هیات نظار، کمیته بررسی، کمیته اداره خطرات، استثنائات در ایجاد کمیته ها، هیئت عامل، شعبه مراقبت از تطبیق قانون، شرایط عضویت اعضا هیئت نظار و هیئت عامل، طرز سلوک، اداره خطرات و کنترل داخلی، واحد بررسی داخلی، شرایط استخدام کارکنان بررسی داخلی، مسئولیت کارکن واحد بررسی داخلی، افشای منافع تجارتنی، حفظ اسرار، میشود.

فصل ششم:- قانون بانکداری در برگیرنده موضوعات چون، فعالیت های بانکداری، فعالیت های ممنوعه،

معرفی قانون بانکداری

تیمز ایزدنه: فیض الله خواجه آمانی

ایجابات سرمایوی بانکها، سیالیت، تصنیف دارایی ها و تخصیص منابع احتیاطی برای خسارات، ایجاد ذخایر برای رسیدگی به خطرات عمومی بانک، وضعیت اسعار خارجی، محدودیت ها در تسهیلات بانکی، روابط بانک و مشتریان، حساب غیرفعال، پرداخت بدهی قبل از تاریخ سررسید، قروض تضمین شده، اسناد معاملات و تعهدات، ایجابات لازم غرض انجام معامله با اشخاص وابسته، معاملات ممنوعه با شخص وابسته، گزارش معاملات با شخص وابسته، منع اعطای اعتبار، سرمایه گذاری بانک در سایر شرکتهای، تسخیر هویت مشتری، ممنوعیت عرضه خدمات بانکی به منظور جلوگیری از فعالیت های جرمی، ممنوعیت ایجاد روابط با بانک های مجازی (غیر حقیقی)، شرایط بر قراری رابطه با بانک های معامله دارمیشد.

فصل هفتم:- قانون ذکر شده در مورد بانکداری اسلامی میباشد که موضوعات، جواز بانکداری



اسلامی، تبدیلی بانک، مورد شرعی، فعالیت های بانکداری اسلامی را دربر دارد.

فصل هشتم:- شامل سال مالی، صورت حسابات مالی و گزارشات احصائیوی، بررسی خارجی، نثر صورت حسابات مالی، گزارش بررسان و راپور اداره خوب، جلسات میان دافغانستان بانک و بررسی خارجی، میشود.

فصل نهم:- در مورد گزارشدهی است که از گزارشدهی توسط بانک، انسجام معلومات احصائیوی و نظارت بحث می کند.

فصل دهم:- در رابطه به اقدامات اصلاحی و تنفیذ فوری است که در بر گیرنده موضوعات ذیل میباشد: اطلاعیه وضعیت کمبود سرمایه، پلان احیای سرمایه، محدودیتهای قابل تطبیق بر بانک مواحه به

فصل یازدهم:- شامل موضوعات نظارتی میشود که حاوی شفافیت ساختارهای گروه شامل بانک، تطبیق الزامات احتیاطی برگروپهای شامل بانک،

سیستم کنترل داخلی و اداره خطر، کفایت سرمایه در شرکت بانکی متبوع، طرز اداره شرکت بانکی متبوع، سرمایه گذاری توسط شرکت بانکی متبوع، شرکت های تابع و وابسته به شرکت بانکی متبوع، ارایه گزارش توسط شرکت بانکی متبوع، مکلفیت های گزارش دهی توسط شرکت مادر، سهم استحقاقی ذیصلاحیت در شرکت بانکی متبوع، نظارت شرکت بانکی متبوع، بررسی خارجی شرکت بانکی متبوع، تدابیر و اقدامات اصلاحی جهت کسب سهم استحقاقی ذیصلاحیت در بانک، همکاری بین ادارات نظارتی سکتور مالی می باشد.

فصل دوازدهم قانون بانکداری مذکور از موضوعات ذیل بحث میکند:

انتصاب متولی، انتصاب و عزل متولی، صلاحیت

قواعد و اصطلاحات در حقوق بین الملل خصوصی

تتمه و نگارش: دردانه فضایی



تحت عنوان تطبیق قانون از حیث مکان و اشخاص قانون افغانستان را بر اعمال جرمی که در افغانستان ارتکاب یافته و یا اینکه در خارج کشور علیه منافع افغانستان صورت گرفته باشد. قابل تطبیق می داند چنانکه ماده چهاردهم قانون جزای افغانستان در زمینه چنین مشعر است:

” احکام این قانون بر اشخاصی که در ساحه دولت جمهوری افغانستان مرتکب جرم شوند تطبیق می گردد.

ساحه دولت جمهوری افغانستان شامل هر مکانی است که تحت سلطه ان واقع باشد.

2- طیارات و کشتی های افغانی اعم از اینکه در داخل افغانستان باشد یا در خارج از ان جمله ساحه افغانستان محسوب می شود مگر اینکه طبق قواعد حقوق بین الدول عمومی تابع دولت اجنبی باشد.“

8-قانون محل انجام کار:

این قانون وقتی مطرح می شود که منازعه جهت حقوق کار در یک قضیه حقوقی دارای عنصر خارجی مطرح گردد: بدین معنی که اگر اشخاصی از یک دولت دیگر غرض دریافت کار مهاجرت می کنند و بین کارگر و کارفرما منازعه ای بوجود می آید این اختلاف و منازعه باید بر طبق قانون دولتی که مهاجرت به ان صورت گرفته حل و فصل گردد. به

عباره ساده تر در همچو منازعات قانون کشوری تطبیق می گردد که کار گر در ان کشور کاری انجام داده است . چنانکه در این مورد ماده ششم قانون کار افغانستان چنین نگاشته است:

1-اتباع خارجی که طبق قرار داد های قبلی جداگانه و یا بدون ان جواز کار را در جمهوری اسلامی افغانستان حاصل نموده یا بعدا می نمایند و در ادارات دولتی یا غیر دولتی مختلط و یا خصوصی استخدام می شوند تابع احکام این قانون بوده شرایط آنها توسط مقرر جداگانه تنظیم می گردد.

به همین ترتیب ماده سیزده موافقتنامه بین حکومت افغانستان و قطر در مورد استخدام کارگران افغانی و حل اختلافات ناشی از کار میان کارگر و کار فرما محل انجام کار را پذیرفته است چنانچه در این زمینه چنین آمده است:در حالت بروز اختلاف بین کار فرما و کار گر که از قرار داد نشات کرده باشد شکایت به ادارات ذیربط د روزارت کار و امور اجتماعی قطر تقدیم می گردد تا به طور دوستانه حل گردد. هر گاه بطور دوستانه حل نگردد قضیه به مراجع ذیربط قضایی در دولت قطر راجع می گردد.

9- قواعد حل تعارض:

قواعد حل تعارض عبارت از قواعد است که تنها به تعیین قانونی که باید بر موضوع معینی حکومت نماید اکتفا می کنند و مسله مطروحه را مستقیماً حل نمی کنند مثلاً قاعده مندرجه در ماده 19 قانون مدنی افغانستان مقرر می دارد:” در مورد شرایط موضوعی صحت ازدواج قوانین متبوعه هر یک از زوجین تطبیق می گردد.“

این ماده یک قاعده حل تعارض قوانین است. زیرا فقط به تعیین قانون صلاحیتداری که در دعاوی مربوط به ازدواج بیگانگان حکومت نماید مبادرت می نماید و قانون ملی آنان را لازم الاجراء می داند

ها ووظایف متولی، طلب مهلت واثرمتولیت بر اقدامات وقرار دادها، کنترل امور بانک، ترتیب لست موجودی ویلان عمل، افزایش سرمایه بانک توسط سهام داران جدید، فروش، ادغام وسایر اشکال، تجدید ساختار اداری بانک، مصارف متولیت، ختم متولیت.

فصل سیزدهم: - در برگیرنده موضوعات چون استثناء در تطبیق قانون، دلایل آغاز اقدامات تصفیه، نشر انتصاب مدیر تصفیه، صلاحیت ها ووظایف مدیر تصفیه، تاثیرات انتصاب مدیر تصفیه، ابطال معاملات قبل از انتصاب مدیر تصفیه، قطعیت در سیستم تسویه پول واسناد بهادار، پرداخت سپرده های تصفیه شده، گزارش ابتدایی مدیر تصفیه، پلان پیشنهادی مدیر تصفیه، طلبات تعلیق شده، ثبت طلبات، قبول طلب، تسویه، فسخ قرار دادهای جاری، تفاهم در تصفیه طلبات، طلبات تضمین شده، تقدم پرداخت ها، عدم تفاهم یا دائنین، جلسه عمومی وکمیته دائنین، جدول توزیع، صلاحیت تعقیب طلبات علیه اشخاص مسئول که به بانک خساره وارد نموده اند، صدور دستور مؤقت قبل از رسیدگی قضایی، تصفیه خارج از مرز کشور، ختم تصفیه، معیاد تصفیه، گزارش تصفیه، می باشد.

فصل چهاردهم:- بیشتر روی احکام جزایی تمرکز داشته روی موضوعات مانند : استفاده از عنوان بانک وکسب سهم استحقاقی ذیصلاحیت، تخلف از احکام قانون ومقرره های دافغانستان بانک، بحث کرده است.

فصل پانزدهم: - در فصل مذکور احکام متفرقه جا داده شده که از در خواست تجدید نظر، احکام انتقالی، ارجحیت احکام، پیشنهاد مقررها ووضع طرز العمل ها، رهنمودها ومتحدالمال ها وانفاذ قانون که در ماده یکصدوهفتادوهشتم قانون مذکور آمده ختم گردیده است.

در نتیجه باید گفته شود که در قانون بانکداری موضوعات خیلی مهم در رابطه به پیشبرد فعالیت های بانکداری در کشورگنجانیده شده است . که می توان از تاسیس و جواز بانکداری، سهم استحقاقی ذیصلاحیت در بانک، شرکت تابع، وابسته، فرع ودفتر نمایندگی بانک، ساختار وطرزاداره بانک، فعالیت ها ومکلفیت های بانکها، بانکداری اسلامی، حسابداری وبررسی، گزارشدهی، اقدامات اصلاحی وتنفیذ فوری، نظارت، متولیت، تصفیه بانک، احکام جزایی واحکام متفرقه را در بر دارد . که از جمله موضوع گنجانیدن بانکداری اسلامی ونظارت از اجراءات بانکها خیلی مهم بوده برای پیشبرد امور مربوطه به بانکها مؤثر می باشد.

بدون اینکه دعاوی مطروحه را مستقیماً حل نماید . یا مثلاً به موجب ماده 968 قانون مدنی ایران تعهدات ناشی از عقود تابع قانون محل وقوع عقد است مگر اینکه متعاقدين صریحاً یا ضمناً تابع قانون دیگری قرار داده باشند . و یا مطابق ماده 27 قانون مدنی افغانستان در مورد وجایب ناشی از عقود قانون دولتی تطبیق می گردد که طرفین عقد در آن اقامتگاه اختیار نموده اند . در صورت اختلاف اقامتگاه قانون دولتی تطبیق می گردد که عقد در آن تکمیل شده باشد. مشروط بر اینکه در خصوص تطبیق احکام قانون کدام قانون معینی را طرفین عقد تعیین ننموده باشند و یا از فراین معلوم نگردد که مراد طرفین عقد تطبیق قانون دیگری بوده است . در مورد عقود تکمیل شده متعلق به عقار قانون محل عقار تطبیق می گردد.

از متون فوق به این نتیجه می رسیم که در حقوق بین الملل خصوصی در صورتیکه قاعده و قانون خاصی معین نشده باشد یعنی حاکمیت اراده در قرار داد ها بین اتباع کشور ها در مورد بروز اختلافات بین آنان مشخص نگردیده باشد د راین صورت یک سلسله مقررات و قواعد حقوقی خاص در حقوق بین الملل خصوصی وجود دارد که قواعد ذیدخل در معامله می تواند به مراجعه به قواعد فوق الذکر اختلافات فی مابین را در نهاد های عدلی و قضایی حل و فصل نمایند.

منابع و ماخذ: قانون مدنی افغانستان قانون جزای افغانستان

حقوق بین الملل خصوصی، پوهندی ولی محمد ناصح

اصول آزادی و مساوات
در شریعت اسلام
تتیم ونگارن: عبدالرحمن عظیمی



تا بتواند عقیده خود را اعلام نماید و اگر مهاجرت نکنند در حال که قادر به مهاجرت می باشند قبل از آن که دیگران بر او ستم روا دارند، خود بر خویش ستم روا داشته و یگانه بزرگی دست زده است و عذاب خداوند در باره او حتمی است.

اما اگر از مهاجرت ناتوان باشد، تکلیفی دیگری ندارد. چنانچه خداوند(ج) در سوره نسا آیه ۹۷ الی ۹۹ می فرماید: " آنان که هنگام مرگ و قبض روح ستم کنند گان بر خویش بودند پاسخ این سوال در چه کار بودید گویند که ما در روی زمین مردم ضعیف و ناتوان بودیم. گویند: آیا زمین خدا پهناور نبود؟ که در آن سفر کنید. ماوای آنان جهنم است و باز گشت آنها جایگاهی بسیار بدی است. مگر آن گروه از مردان و زنان و کودکان که به راه راستی ناتوان باشند و راه به جایی نبرند پس آنها به بخشایش خداوند امید وار باشند و خداوند بخشنده و آمرزنده بندگان است."

دین مقدس اسلام در بیان و قبول آزادی عقیده بر تمام مردم اعم از مسلمان و غیر مسلمان و موظف دانستن خود در حمایت از عقاید غیر مسلمانان در سرزمین های اسلامی به عالیترین درجه از ترقی دست یافته است. در هر شهر از شهرهای مسلمانان، غیر مسلمانان قادر بودند دین و مذهب و عقیده خود را علنی سازند و رسوم دینی خود را بجا آورند. معابد و مدارس برای اقامه اعمال دینی و تدریس آن بدون آن که مانعی ایجاد شود، بسازند. مثلاً یهود در سر زمین های اسلامی عقاید و معابد خود را داشتند که آئینی کلیمی را فری می گرفتند و حق داشتند عقاید خود را تبلیغ و میان آنها و دیگر عقاید مقایسه کنند و دین یهود را در ایجاد نظم عمومی و دارا بودن آداب و اخلاق بهتر، بر دیگر ادیان برتری دهند. مسیحان نیز با آنکه مذاهب گوناگون و متعدد داشتند، پیروان هر مذهبی کنیسه و مدرسه ای خاص خود را داشتند و علناً به عبادات می پرداختند و در مدارسشان عقیده خود را تعلیم می دادند و در باره مذهب خود کتاب می نوشتند و در شهر های اسلامی منتشر می کردند.

آزادی بیان: شریعت اسلام آزادی بیان را مجاز و مباح ساخته، آن را از حقوق مسلم هر کسی به حساب می آورد. در امور مربوط به اخلاق و مصالح و نظم عمومی هر آنچه را شرع منکر اعلام کرده، بیان و گفتار (امر به معروف و نهی از منکر) را واجب دانسته است چنانچه خداوند (ج) می فرماید: و باید از شما مسلمانان برخی خلق را به خیر و صلاح دعوت کنند و مردم را به نیکو کاری امر کرده و از بد کاری نهی کنند و نیز پیغمبر اسلام (ص) فرموده است: هر یک از شما کار بدی را دید باید با دست خود از انجام دادن آن جلو گیری کند، اگر با دست جلوگیری نتوانست با زبان در صد جلوگیری برآید اگر در این هم قادر نبود قلباً به آن عمل راضی نباشد و البته این ضعیف ترین درجه از ایمان است و نیز می فرماید: بهترین جهاد این است که سخن حق در مقابل سلطان ستمگر گفته شود، و دین یعنی نصیحت کردن". سوال شد این نصیحت به خاطر چه کسی است، فرمودند: "به خاطر خدا و رسولش و کتاب او و نیز بخاطر رهبران مسلمانان و خود آنان" و نیز مردی که علیه امام ستمگر بشود او را به معروف امر و از منکر باز دارد و در این راه کشته شود"

بنای شریعت اسلام، آزادی بیان را پذیرفته ولی همزمان با آن به قیودی مفید ساخته است که مانع از دشمنی و سوی استفاده می گردد و به لحاظ این که مردم بدانند هیچ کس از رعایت این قیود و موانع معاف و مستثنی نیست، نخستین کسی که آزادی او در گفتار، مفید و محدود شد خود پیغمبر (ص) بود

آغاز کمپین سه ماهه آگاهی عامه حقوقی در مورد محو خشونت علیه زنان در مرکز و ولایات

گزارشگر: بشیر احمد عزیز



210) تن متنفذین و روسای شورا های محلی دوازده برنامانه آموزشی در مورد محو خشونت علیه زن و برای (2800) محصلین پوهنتون های دولتی و خصوصی سه بار پارچه تمثیلی (25) دقیقه ای در رابطه محو خشونت علیه زن و (420) تن شاگردان مکاتب طوریکه از هر ولایت مزبور از (6) مکتب به تعداد (10-10) (ولایات مزبور از (6) مکتب به تعداد (6-6) شاگردان و ذکور مسابقه دانش حقوقی در مورد منع خشونت علیه زن از طریق رادیوهای محلی و مرکزی در هر ولایت (12) بار مجموعاً در (7) ولایت (84) مرتبه مسابقه دانش حقوقی بین شاگردان مکاتب در مورد منع خشونت علیه زن سازمان طرف آمریت آگاهی های عامه حقوقی ریاست عمومی مساعدتهای حقوقی وزارت عدلیه راه اندازی گردیده است. شاگردان و ذکور مسابقه دانش حقوقی از طریق رادیوهای محلی و مرکزی در مورد محو خشونت از طرف آمریت آگاهی های عامه حقوقی ریاست عمومی مساعدتهای حقوقی وزارت عدلیه راه اندازی گردیده است. قابل یاد آوری دانسته می شود که کمپین های آگاهی عامه حقوقی تا اخیر سال 1395 ادامه خواهد داشت

این یک واقعیت مسلم است که زنان با در نظر داشت احکام والای شریعت اسلام و قوانین نافذ کشور اسناد بین المللی دارای حقوق خاص و انکار ناپذیر می باشد که امروز در جهان به توافق کلی از لحاظ پرنسب به آن ارج گذاشته می شود اما طوریکه متأسفانه در عمل مشاهده می گردد، روز تاروز پدیده شوم خشونت علیه زن صعود می نماید خصوصاً در کشور ما افغانستان که همه روز ما شاهد این ناهنجاری ها در مقابل زنان می باشیم که وجدان بیدار هر هموطن با احساس ما را خدشه دار می سازد. با وجودیکه نهاد ملی و بین المللی در این راستا فعالیت های چشم گیری داشته اند اما تا حال نتوانستند طوریکه شاید و باید این پدیده کاهش قابل ملاحظه یابد و نتیجه قناعت بخشی که توقع میرفت در زمینه روفا گردیده است که ما عوامل عمده آن را در پهلوی موجودیت عرف و عادات ناپسند و نا امنی موجود در گوشه و کنار کشور، عامل عمده عدم آگاهی لازم اتباع کشور از مسایل حقوقی و قانونی می باشد. زیرا در صورتیکه هموطنان ما از حقوق و واجبات قانونی و شرعی شان اطلاع کافی داشته باشند یقیناً درمیزان حق تلفی و قانون شکنی در جامعه کاهش بعمل می آید. یگانه راه علاج محو انواع خشونت

بلخصوص علیه زنان که نیمی از پیگر جامعه را تشکیل میدهند این است تمامی نهاد های ملی و بین المللی که در راستای آگاهی دهی فعالیت دارند همرا با شهروندان با احساس و بیدار کشور بطور یک پارچه و منسجم علیه این پدیده شوم مبارزه نمایند. قابل یاد آوریست که بخش آگاهی عامه حقوقی وزارت عدلیه بیشتر از ده سال در قسمت ارائه آگاهی های حقوقی خصوصاً حقوق زنان سهم فعال داشته همه روزه از طریق مکاتب، مساجد، محلات و ادارات دولتی و غیر دولتی به اتباع نیازمند؛ آگاهی حقوقی میدهند اکنون با توجه به ماده (56) قانون اساسی که در بخشی آن تصریح یافته است (بی خیری از قانون عذر دانسته نمی شود) و همچنان با در نظر داشت استراتژی های موجوده آگاهی عامه حقوقی و ضمناً مسئولیت های که مطابق به ماده (12) قانون منع خشونت علیه زن به وزارت عدلیه دولت جمهوری اسلامی افغانستان در راستای محو خشونت علیه زن سپرده شده وزارت عدلیه اقدام به موقع نموده کمپین سه ماهه آگاهی عامه حقوقی را در رابطه محو خشونت علیه زن را در مرکز و ولایات بلخ، هرات، بامیان، بدخشان و ننگرهار راه اندازی نموده است: در این کمپین در ولایات متذکره برای (280) تن معلمین ذکور و اناث مکاتب و

اضرار پدیده شوم قاچاق انسان

تتیم ونگارن: محمدحسین سلیمه

امکان مقابله را ندارند، این اقدامات مشکلاتی را برای فامیل ها و جامعه به وجود آورده است و اسباب بی اعتمادی رادر بین خانواده ها فراهم نموده است ،حتی در بعضی اوقات باعث تفریق در بین زن و شوهر می شود که در نتیجه اطفال خانواده ها از ناحیه متضرر گردیده و آسیب می بینند و نشاط و بالندگی خود را از دست میدهند. از جانب دیگر فرامغزها و بخصوص جوانان و متخصصین تحصیل یافته ، که نیروی بالفعل و مستعد کشور ما هستند، چون جوانی حساس ترین دوره عمر انسان محسوب می گردد. در همین مرحله است که انسان می تواند سرنوشت خویش را تعیین کرده ، آینده خود را روشن و یا آتیرا تیره و تار سازد. وجود انسان در دوره جوانی شکل گرفته و آینده او هم بر این اساس رقم می خورد. در هر عصری جوانان بیشتر مورد توجه بوده اند و در شکل گیری جوامع بشری نقش مؤثری داشته اند. ازینرو قرآن کریم با تعریف از جوانان شایسته ، همانند برخی از پیامبران الهی ویادی از داستان ها و نکات اخلاقی و تربیتی و نقش براننده شان را در ساختن جامعه خوشبخت و متمدن به تصویر می کشد. پس جوانان ما، باید عوض فرار از کشور غرض هر همدنی که صورت میگیرد، با نیرو و قوت اسلامی و افتخانی شان برای رسیدن به مقصود که تحصیل علم و هنر و آموختن صنعت و غیره است بکوشند ، اصلاحات جوامع انسانی از قلم مؤمن شروع می شود و تبااهی اجتماعات نیز از قلم های مسموم و فاسد مایه می گیرد، فراگیری دانش است همانند نقش برسنگ است و در دوران پیری مانند نقش بر خاک خواهد بود که زود زایل می شود. لذا جوانان نباید شکار قاچاقبران انسان که عناصر ظالم و فاسدی هستند گردند، بلکه با توجه به مبانی دینی به تحصیل علم و دانش بپردازند و عقب ماندگی رشد نیافتگی کشور را که ریشه در ظلم حاکمان ظالم و فاسد، توطئه دشمنان کشور، و مداخلات کشور های بیرونی دارد، جبران و در آبادانی کشور، تأمین صلح و امنیت، عدالت، برادری، رشد و انکشاف، توسعه و آبادانی کشور، دین ملی و اسلامی خویش را اداء نمایند، تا باشد ، کشور آباد، آزاد، یک پارچه و متحد داشته باشیم و روز به روز جلو قاچاق انسان کاهش بیابد.

المللی این نوع از تجارت ها را جرمی علیه کرامت انسانی افراد میدانند، سوء استفاده و بهره کشی های جنسی و جسمی، به عبارت دیگر انواع بهره کشی های مختلف جنسی، همانند هم جنس بازی ، روابط غیر طبیعی ، سوء استفاده جهت تبلیغات در صنعت سکسی و ساخت فیلم های غیر اخلاقی می شوند، در نتیجه ابتلا به بیماری های واگیر، مانند اید ز و ویپامد های اجتماعی آن ، خدشه نمودن آبرو و حیثیت ، خانواده ها و کشورها می باشد به هر اندازه که میزان آمار قاچاق انسان در کشور افزایش یابد تصویر و چهره ملت و کشور ما در انظار جهانیان تیره و تاری می گردد، همچنان برخوردارمانه قاچاقچیان و مسئولین برخی از کشورها با حفظ ارزشهای بشری و کرامت انسانی مطابقت ندارد، زیرا انسان با بکار گیری لفظ قاچاق ، انسانها را در حد یک شیء و کالا تنزیل میدهند. بهرحال امروزه بسیاری ها اخلاق و کرامت انسانی و ارزشهای اسلامی و بشری را با مادیات عوض نموده و صرف بدنال کسب سود و لذت های شهوانی هستند و از طرفی چون جرم ، هوشیارانه و هوشمندانه تر صورت میگیرد هیچ کس و نهاد، نمی تواند دویا نمی خواهد بطور سیستماتیک و منظم علیه پدیده شوم قاچاق انسان ، دست بکار شود.

دوم اضرار و پیامد های اجتماعی و اقتصادی است که یکی از اضرار و پیامد های بد قاچاق انسان همانا زیانهای اجتماعی و اقتصادی آن می باشد ، که امروزه کشور مردم ما از آن رنج می برند، مسافرتها تفریحی و گاهی برنامه ریزی شده و یا سازمان یافته برخی از مردم ما بخصوص جوانان به کشورهای بیرون برای مقاصد غیر اخلاقی و غرض زندگی بهتر و خوشگذرانی ، سرمایه بزرگی را بیرون از کشوری بر می برد، به نحوی که به حیثیت کشور لطمه وارد نموده و ضربه سنگینی به اقتصاد کشور وارد می کند. جالب این که خروج این افراد ظاهراً بصورت قانونی انجام می پذیرد، و چون با رضایت انجام می یابد، مراجع ذریب به جز در موارد وجود شاکی خصوصی

قاچاق انسان که در فرهنگ امروزی به پناهجویی و مهاجرت معروف است یک پدیده فلاکت بار و مصیبت زائی است که توسط باند های بی رحم و منفعت طلب جوبه یک پرسوسه نا مشروع تجارتی و سازمان یافته تبدیل گردیده است که در عصر حاضر به نظام برده داری مدرن شباهت دارد کلمه برده داری امروز انواع گوناگون نقض از حقوق بشر را در بر می گیرد. علاوه بر ترویج برده داری و تجارت برده ، این تخطی ها شامل فروش اعضای بدن ، قاچاق انسان ، گماشتن اطفال به کار های شاقه ، و استفاده از آنها در درگیری های مسلحانه ، و یا فروش اعضای رئیس بدن آنها به مراکز صحنی غرض کشت در بدن مریضان ثروتمند ، تجارت نا مشروع جنسی ، جسد و اسارت و روا داشتن انواع اعمال و جنایات ضد بشری در حق زنان، کودکان و نوجوانان را نیز در بر می گیرد. برده داری می تواند به شکل مخفی و پیچیده نیز باشد و این خود مشکلی رادر زمینه داشتن یک تصویر واقعی و روشن از برده های معاصر ایجاد می کند. این واقعیت که قربانیان قاچاق انسان عموماً از طبقه فقیر و آسیب پذیر جامعه می باشند، مسئله را پیچیده تر ساخته ؛ زیرا ترس و ضرورت زنده ماندن ، آنها را از زبان گشودن بازمی دارد. قاچاق انسان نیز بطور عموم ، بصورت اختیاری و اجباری انجام می یابد ، در هر دو حالت شخصی که می خواهد کشورش را به علت، فقر، بیکاری ، جنگ و نا امنی ، گرسنگی ، ظلم و بی عدالتی ترک گوید و به کشور دیگری پناه جوید ، این شخص علاوه بر تحمل مشقات طاقت فرسای گرسنگی و تشنگی در مناطق صعب العبور و پر از خطر ، پول گزافی

در این نوع از تجارت ها را جرمی علیه کرامت انسانی افراد میدانند، سوء استفاده و بهره کشی های جنسی و جسمی، به عبارت دیگر انواع بهره کشی های مختلف جنسی، همانند هم جنس بازی ، روابط غیر طبیعی ، سوء استفاده جهت تبلیغات در صنعت سکسی و ساخت فیلم های غیر اخلاقی می شوند، در نتیجه ابتلا به بیماری های واگیر، مانند اید ز و ویپامد های اجتماعی آن ، خدشه نمودن آبرو و حیثیت ، خانواده ها و کشورها می باشد به هر اندازه که میزان آمار قاچاق انسان در کشور افزایش یابد تصویر و چهره ملت و کشور ما در انظار جهانیان تیره و تاری می گردد، همچنان برخوردارمانه قاچاقچیان و مسئولین برخی از کشورها با حفظ ارزشهای بشری و کرامت انسانی مطابقت ندارد، زیرا انسان با بکار گیری لفظ قاچاق ، انسانها را در حد یک شیء و کالا تنزیل میدهند. بهرحال امروزه بسیاری ها اخلاق و کرامت انسانی و ارزشهای اسلامی و بشری را با مادیات عوض نموده و صرف بدنال کسب سود و لذت های شهوانی هستند و از طرفی چون جرم ، هوشیارانه و هوشمندانه تر صورت میگیرد هیچ کس و نهاد، نمی تواند دویا نمی خواهد بطور سیستماتیک و منظم علیه پدیده شوم قاچاق انسان ، دست بکار شود.

